

بررسی تطبیقی اهداف کیفر در حقوق اسلامی و غربی

سید علی ربانی موسویان^۱

زهرابخشی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

در هر جامعه‌ای قانون‌گذار برای برقراری نظم و حفظ حیات اجتماعی مجازات‌هایی را در نظر گرفته که ضمانت اجرای وضع مقررات هر جامعه است. این مجازات‌ها اهدافی را با خود به دنبال دارند. شریعت مقدس اسلام و حقوق غربی نیز از این امر مستثناء نیستند. به طور کلی چهار هدف برای تمامی مجازات‌های قانونی یا قراردادی متصورند که عبارتند از: ۱- سزادهی ۲- بازدارندگی ۳- بازپروری ۴- ناتوان سازی. در این مقاله با روش تحلیلی توصیفی به بررسی تطبیقی این چهار هدف در حقوق غربی و اسلامی پرداخته شده است. هدف از این پژوهش روشن ساختن زوایای تاریک علل کیفردهی در ذهن بشر است که با بررسی این اهداف از مفهوم تا کارکرد، به حکمت‌های وضع مجازات‌ها و اجرای آن و امتیازات ویژه آن‌ها در اسلام نزدیک شده و در نتیجه آمادگی ذهنی برای تمکین در مقابل مقررات کیفری اسلام را بیشتر فراهم می‌آورد. از میان اهداف فوق‌الذکر سزادهی هدفی است گذشته نگر که به آینده توجه ندارد بنابراین وظیفه گراست و سه هدف دیگر اهدافی آینده نگر هستند که به گذشته توجهی ندارند و فایده گرا هستند. اگرچه به زعم برخی تجمیع این اهداف در کیفرها ممکن نیست اما به صورت اولویت بندی و با لحاظ ترتیب اهمیت ممکن بوده و این مهم را شریعت تا حد زیادی محقق ساخته به گونه‌ای که بیش از هر هدفی، سزادهی را که ضامن تحقق عدالت کیفری در جامعه و پشتیبان تحقق عدالت ترمیمی است نسبت به سایر اهداف اولویت بخشیده است.

واژگان کلیدی: سزادهی، بازدارندگی، بازپروری، ناتوان سازی، اهداف کیفر.

۱- استادیار و عضو هیات علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، a.rabbani110@yahoo.com

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر، z.bakhshi91@yahoo.com



مقدمه

هر قانونی خواه الهی باشد یا بشری ناگزیر برای دست یابی به هدف یا اهدافی وضع شده است و قانون گذار حکیم، خواه خداوند باشد یا بشر در کیفر دهی هدف یا اهدافی را دنبال می‌کند بحث درباره‌ی اهداف مجازات‌ها بخشی از مباحث مربوط به فلسفه‌ی حقوق در عرصه‌ی حقوق کیفری است. سخن گفتن از اهداف مجازات‌ها در هر نظام حقوقی از آن رو که در نهایت به تبیین بخش قابل توجهی از سیاست کیفری آن نظام می‌انجامد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چه هر گاه نهادهای دست اندر کار مجازات بدانند مقصود از کیفر چیست، آن را متناسب با فواید اجتماعی و فردی آن به کار می‌بندند و در نتیجه امکان تحقق عدالت کیفری بیش تر می‌شود و هم چنین بزه کاران با علم به اهداف کیفر و آگاهی از مصلحت آن، راحت تر مجازات‌ها را می‌پذیرند. مقصود از مجازات‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد کیفرهای قانونی یا قراردادی است بنابراین اهداف کیفرهای تکوینی در دنیا، و کیفرهای اخروی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد هرچند آن مجازات‌ها نیز اهداف مخصوص به خود را دارند. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های قبلی در این است که در اینجا به صورت تطبیقی تمامی اهداف کیفر را از مفهوم تا کارکرد آن مورد بررسی قرار داده‌ایم.

برای کیفر، اهداف متعددی ذکر شده اما با یک بررسی دقیق می‌توان تمامی آن‌ها را تحت چهار عنوان کلی ذیل درج نمود: الف- سزادهی ب- بازدارندگی ج- بازپروری د- ناتوان سازی

۱ - سزادهی

در این بحث به بررسی هدف سزادهی به عنوان یکی از اهداف عام کیفر از مفهوم تا کارکرد این هدف در حقوق غربی و حقوق اسلامی می‌پردازیم.

۱-۱- مفهوم شناسی

در حقوق اسلامی به جای واژه‌ی سزادهی، عدالت‌گرایی و تشفی خاطر مجنی علیه به کاربرده شده است. در این قسمت به مفهوم سزادهی به عنوان یکی از اهداف کیفردهی در حقوق غربی و اسلامی می‌پردازیم.

۱-۱-۱- از منظر حقوق غربی

به طور کلی کیفر عبارت است از وارد کردن درد و رنج به مجرم به سبب انجام جرم. تاکید سزادهی بر این امر استوار است که پرداخت تاوان جرم تنها با درد و رنج امکان پذیر است مانند قانون قصاص که متضمن " چشم در برابر چشم و ... " است. اما " درد و رنج " یک امر شخصی است به طوری که اقدامی که موجب درد و رنج در یک فرد می‌شود شاید آن اقدام در فرد دیگری درد و رنج کم‌تری تحمیل کند



و قاعده‌ی فوق "چشم در برابر چشم" چه بسا درد ورنج یکسانی را در افراد مختلف ایجاد نکند. به طور مثال در آوردن یک چشم شخصی که چشم دیگرش نابیناست درد و رنج بیشتری نسبت به شخصی که دو چشم بینا دارد، با خود به دنبال دارد چرا که شخص اول با اعمال کیفر به طور کلی نابینا می‌شود. هم چنین در مورد کیفر مالی، اعمال جزای نقدی بر دو شخصی که از نظر اقتصادی شرایط یکسانی ندارند، درد و رنج یکسانی به آن‌ها وارد نخواهد آورد. بنابراین سزادهی باید عادلانه باشد برای این منظور باید دو مورد را در کیفردهی لحاظ کرد یکی اینکه باید ابتدا درد و رنج ناشی از کیفر را با تک تک مجرمان سازگار کرد و دوم این که این سازگاری درد و رنج ناشی از جرم را با درد و رنج ناشی از کیفر، نیز لحاظ کرد (هالوی، ۱۳۹۳: ۳۲ - ۳۶).

۱-۱-۲- از منظر حقوق اسلامی

در متون و آموزه‌های دینی که بیشتر مقاصد کلی بشر را تعیین می‌کنند اجرای عدالت و به تعبیر دقیق‌تر اجرای عدل و قسط از اهداف کیفرها به حساب می‌آید در بعد اجتماعی نیز اسلام بر قسط و عدل تاکید کرده است. عدالت، حقیقتی است که هم بعد تکوینی دارد و هم بعد تشریحی. از نظر تکوینی، تمام هستی بر عدل استوار است. از نظر تشریحی، تمام مکاتب اعم از و حیانی و مادی، به دنبال تامین آن در بعد فردی و اجتماعی می‌باشند هیچ مکتبی نمی‌تواند نسبت به عدالت بی تفاوت باشد و لااقل شعار عدالت خواهی سر ندهد. مکتب اسلام که نشأت گرفته از حکمت و عدالت ربوبی است، تمام دستورها و مقررات خود را بر اساس عدالت و برای تامین آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان تشریح نموده است که این عدالت در بعد جزایی نمود بیشتری دارد. به نظر می‌رسد عدالت کیفری در مفهوم ابتدایی خود این چنین اقتضا می‌کند که مجرم به همان صورتی که مرتکب جرم شده است، مجازات گردد. از دیدگاه اسلام نیز مقابله به مثل جایز دانسته شده است و مجنی علیه می‌تواند تعدی به خود را همان گونه که بوده است پاسخ دهد (خسرو شاهی، ۱۳۸۰: ۱۹۱ و ۱۹۲).

در واقع وقتی مجرم مرتکب جرم می‌شود در نگاه دینی حرمت و حریم احکام الهی را شکسته و قانون دینی را نقص کرده است و این رفتار او را مستحق کیفر ساخته است و علاوه بر این حرمت شکنی، مجرم به منافع و خواسته‌هایی دست یافته است که نامشروع است و دست‌یابی از این راه، هم باعث محرومیت دیگران از حق خود می‌شود و هم عواطف مجنی علیه و بستگانش و افراد جامعه را جریحه‌دار می‌کند که همه‌ی این موارد از مصادیق ظلم و بی‌عدالتی است (پیوندی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).



بنابراین می‌توان گفت مجازات قصاص براساس عدالت و برابری جرم با مجازات تشریح شده است. و در حد زنا گفته شده است که ضربه‌های تازیانه باید مستقیماً بر تمام بدن مجرم زده شود تا درد حاصل از آن، تمام بدن او را فرا بگیرد، زیرا که زانی با عمل خود لذت جسمانی نامشروعی را که تمام وجود او را تحت تاثیر قرار داده کسب نموده است هم چنین در مجازات سرقت که مجرم به دنبال تحصیل منافع مادی نامشروع بوده است، مجازات به گونه‌ای طرح ریزی شده است که خسارت مادی آن، برای مجرم قابل توجه است و او را از منافع مادی زیادی محروم می‌کند البته در کنار تامین عدالت، اهداف دیگر مجازات مانند بازدارندگی و اصلاح و تربیت نیز در نظر گرفته می‌شود و به دلیل خطرناک بودن برخی جرائم برای امنیت و آسایش عمومی هدف اساسی کیفر، بازداشتن مجرمین از ارتکاب این عمل است نه صرفاً تامین عدالت (خسرو شاهی، ۱۳۸۰: ۱۹۳).

۱-۲- کارکرد سزادهی

در این قسمت به کارکرد هدف سزادهی در حقوق غربی و اسلامی می‌پردازیم.

۱-۲-۱- از منظر حقوق غربی

سزادهی هدف غالب کیفر است ولی یگانه هدف نیست و چاره‌ی همه‌ی نیازهای کیفرگذاری و کیفردهی مدرن را فراهم نمی‌کند زیرا سزادهی گذشته نگر است و چاره‌ای برای نیاز اجتماعی پیشگیری از جرم فراهم نمی‌کند. بنابراین سزادهی را باید با سایر هدف‌های عام کیفر تکمیل کرد. در بیشتر سامانه‌های حقوقی مدرن، سزادهی را هنوز هدف **چیزه‌ی** کیفر می‌انگارند و سه هدف دیگر (یعنی بازدارندگی، بازپروری و ناتوان سازی) هدف‌های کمکی‌اند. سزادهی می‌تواند میزان بالایی از قطعیت را در کیفر مورد انتظار تضمین کند قطعیت یکی از نتایج تمرکز به زیان واقعی ناشی از جرم (نه زیان احتمالی) و نیز تمرکز بر اراده‌ی مجرم یا شخصیت وی است از این رو، سزادهی می‌تواند تشنگی بزه دیدگان و جامعه برای انتقام را فرونشاند. با وجود این، سرشت سزادهی چند ایراد نیز در پهنه‌ای که سایر هدف‌های عام کیفر می‌توانند چاره‌ای را ارائه کنند، دارد بدین صورت که سزادهی می‌تواند مبنای کیفر باشد حتی اگر هیچ سود اجتماعی سر راستی از آن کیفر انتظار نرود. از این رو، از نظرگاه سزادهی، پیامدهای اجتماعی آینده‌ی کیفر به کلی بی-اهمیت‌اند (هالوی، ۱۳۹۳: ۴۱ و ۴۲).

عدالت کیفری (مکافات عمل) نظم مختل شده را احیا می‌کند و با مجازاتی شبیه به بزه، تعادل را در جامعه برقرار می‌سازد. در این صورت کیفر باید طبق مفاهیم قصاص دقیقاً همانند جرم ارتكابی باشد و بین شدت کیفر و شدت بزه شباهت وجود داشته باشد. در اینجا پیشرفت و تحول نسبت به اندیشه انتقام جویی



به خوبی مشهود است زیرا یزهکار دیگر نابود و تحقیر نمی‌شود بلکه فقط باید به اندازه بدی که انجام داده است متحمل کیفر گردد. افلاطون می‌نویسد نمی‌شود گذشته را از بین برد زیرا کاری که شده، شده است و آنچه در نهایت مهم است بر قراری آرامش است (پرادل، ۱۳۸۱: ۱۹ و ۲۰).

۱-۲-۲- از منظر حقوق اسلامی

با بررسی آیات قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که هدف سزادهی، جایگاهی سترگ در فلسفه و چرایی اعمال مجازات دارد که مبتنی بر ارتکاب کرد آرو اعمال گذشته‌ی انسان‌ها است؛ افعالی که از نظر خداوند، گناه و جرم به شمار می‌روند. بسیاری از آیات با اشاره به عذاب‌های اخروی و عذاب‌های دنیوی که بر مجرمان اعمال می‌شوند، این گونه مجازات‌ها را به خاطر ارتکاب کردار، رفتار و اعمال مجرمانه‌ی شخص در گذشته می‌داند (آیه ۱۷ سوره فصلت). خواه این گونه مجازات‌ها از نوع مجازات‌های تکوینی یا اخروی باشد که به وسیله‌ی غیرانسان (خداوند یا واسطه‌های ماوراء طبیعی او) اجرا می‌شود (سوره سباء آیات ۱۷-۱۵ و سوره نحل آیه ۹۰). خواه از نوع مجازات‌های تشریعی باشد که به وسیله‌ی خود انسان‌ها (حکومت‌های دینی یا مجریان آن‌ها) بر شخص مجرم اجرا می‌شود و یا مجری آن خود شخص مجرم است (سوره بقره، آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۹۴ / سوره مائده آیه ۴۵).

بنابراین در مورد کارکرد سزادهی می‌توان گفت اگر عدالت را مترادف و هم معنای سزادهی بدانیم، عدالت به استحقاق مجرم به اعمال مجازات در اثر جرم ارتکابی مبتنی است و نفس مجازات نمودن مجرم، برقراری عدالت کیفری است و عدالت کیفری، نظم مختل شده را احیا می‌کند و با مجازات شبیه بزه، تعادل را در جامعه برقرار می‌کند اما اگر مفهوم عدالت را فراتر از معنای سزادهی بدانیم که حق هم چنین است و سزادهی را تنها مصداقی از برقراری عدالت و البته بارزترین و نمایان‌ترین مصداق آن بدانیم، در این صورت دیگر اهداف مجازات هم چون بازدارندگی، اصلاح و تربیت نیز هر کدام به نوعی در پی برقراری تعادل و توازن فردی یا جمعی و تجلی مفهوم عدل در معنای لغوی عدالت و قراردادن همه چیز در جایگاه حقیقی خویش هستند (هادوی تهرانی و معتضدی، ۱۳۸۹: ۹).

به طور مثال ممسک که اصطلاحاً به کسی گفته می‌شود که جلوی دفاع یا فرار شخصی را می‌گیرد تا دیگری او را به قتل برساند، به خاطر این رفتار مجرم شناخته می‌شود و مستحق مجازات است. در روایات متعددی آمده است که ممسک حبس می‌شود تا بمیرد. حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که علی علیه السلام در خصوص دو نفری که یکی شخصی را نگه داشته و دیگری او را به قتل رسانده است حکم فرمودند که قاتل قصاصاً به قتل می‌رسد و آن شخص که مقتول را نگه داشته تا دیگری او را به قتل برساند،



تا آخر عمر محبوس می‌شود تا از غم زندان بمیرد همان گونه که مقتول را محبوس کرد تا او را با غم و اندوه به قتل رساندند (سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۳۱ و ۱۳۲). این همان سزادهی یا اجرای عدالت است و همان قاعده‌ی "درد و رنج برای درد و رنج" است.

۲- بازدارندگی

یکی از اهداف عمده مجازات، ایجاد ترس و ارعاب در مردم جهت جلوگیری از ارتکاب جرم می‌باشد و قانونگذار با تعیین مجازات برای اعمال مجرمانه با توجه به شدت و ضعف آن‌ها از طریق ایجاد هراس در جامعه موجب پیشگیری از ارتکاب جرم توسط مردم می‌شود. بازدارندگی بر این فرض استوار است که مجرم شخص خردورز است و بنابراین هزینه‌ها و فایده‌های مورد انتظار انجام دادن یا ندادن جرم را بررسی می‌کند. بازدارندگی از مجازات می‌تواند جنبه عمومی (همگانی) یا اختصاصی (فردی) داشته باشد. در پیشگیری عمومی، ایجاد ترس و هراس در بین مردم در صورت ارتکاب جرم با وضع قوانین که حاصل آن مجازات است را در بر می‌گیرد اما در پیشگیری اختصاصی بزهکار با رنج و مشقتی که از اجرای مجازات بر او بار شده است باعث عدم ارتکاب جرم در آینده خواهد شد (وطنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۴).

۲-۱- مفهوم شناسی

همانطور که اشاره شد بازدارندگی به دو نوع بازدارندگی فردی و همگانی تقسیم می‌شود که از آن به بازدارندگی خاص و عام نیز تعبیر می‌کنند. در حقوق اسلامی به جای واژه‌ی بازدارندگی، از واژه‌های دیگری هم چون پیشگیری از وقوع جرم، ارعاب و عبرت‌گیری استفاده شده است. در اینجا هدف بازدارندگی را از دو منظر حقوق غربی و اسلامی بررسی می‌کنیم.

۲-۱-۱- بازدارندگی از منظر حقوق غربی

بازدارندگی یکی از هدف‌های آینده نگر کیفر است؛ زیرا فقط به آینده ربط دارد. هدف از بازدارندگی پیشگیری از تکرار جرم مجرم است. بازدارندگی را منفعت اجتماعی مورد انتظار در آینده هدایت می‌کند، در حالی که سزادهی بر گذشته تمرکز دارد در نگاه تئوری بازدارندگی، هدف کیفر تحمیلی بر بزهکار صرفاً برقراری تعادل از دست رفته اجتماعی، وارد آوردن درد و رنج بر مجرم و ارضای افکار عمومی نیست بلکه علاوه بر آن لازم است هر مجازات به گونه‌ای انتخاب و اجرا شود که برای خود مرتکب فعلی و مرتکبان بالقوه درس عبرتی باشد. لذا از این منظر مجازات در این جهت اعمال می‌شود که مجرم در آینده مجدداً مرتکب جرم نشود و مجازات برای او درس عبرت باشد (بازدارندگی خاص). و نیز سایر افراد جامعه که قابلیت ارتکاب جرم را دارند از اعمال کیفر بر مجرم درس عبرت گیرند و گرد جرم نگردند (بازدارندگی



عام). چرا که کیفر می‌ترساند و این خصیصه ذاتی آن است. لذا بازدارندگی خاص نگاهی فرد گرایانه دارد بدین صورت که تنها به مجرم متحمل کیفر می‌نگرد و در حالیکه بازدارندگی عام با دید جامعه محور خود، متوجه تمامی افراد جامعه است که می‌توانند بزهکاران احتمالی در آینده باشند (محمودی جانکی و آقایی، ۱۳۸۷: ۳۴۴).

بر مبنای هدف بازدارندگی آن دسته از افراد جامعه که گرایش‌های بزهکارانه دارند نه از روی تمایل حقیقی و نه به دلیل عوامل درونی بلکه به واسطه وجود عاملی بیرونی یعنی کیفر هراس انگیز از بزهکاری انصراف می‌دهند. زیرا ایده‌ی محوری این نظریه که مبتنی بر ارعاب می‌باشد آن است که ترس از دستگیری و اعمال ضمانت اجرای کیفری سبب روی گردانی مجرمان از اعمال مجرمانه است (کاتینگهام، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

۲-۱-۲- بازدارندگی از منظر حقوق اسلامی

پیشگیری به معنای عام، هر عملی که بزه کار یا بزه ناکرده را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. اما پیشگیری در معنای خاص عبارت است از تدابیری که مانع از رسیدن فرد بزه ناکرده به آستانه‌ی ارتکاب جرم می‌شود و به تعبیر حقوق کیفری، ارعاب عام یعنی پیشگیری از ارتکاب جرم از ناحیه‌ی افراد بزه ناکرده و ارعاب خاص یعنی پیشگیری از اقدام مجدد مجرمان سابقه‌دار به ارتکاب جرم. بنابراین، مجازات مجرمان نیز نوعی پیشگیری است؛ زیرا بسیاری از انسان‌ها در صورتی که به دلیل مجرمیت مجازات شوند، از بیم عقوبت بار دیگر به سراغ آن جرم نخواهند رفت (ولایی، ۱۳۹۱: ۱۶).

یکی از اهداف مجازات آن است که از ارتکاب جرم و گناه جلوگیری نماید خواه سبب جلوگیری از ارتکاب دوباره‌ی جرم در آینده به وسیله‌ی خود مجرم شود (بازدارندگی خاص) و خواه دیگران را از ارتکاب جرم و گناه بازدارد (بازدارندگی عام). این کارکرد مجازات را "عبرت آموزی" نیز می‌نامند؛ چرا که اعمال مجازات بر مجرم، عبرتی برای خود وی و دیگران است تا از بیم آن، از جرم و گناه بپرهیزند و به تعبیر قرآن، تقوا پیشه کنند. در قرآن نیز کلمه‌ی "عبرت" در اشاره به همین هدف مجازات آمده است آن جا که قرآن سرگذشت حضرت موسی علیه السلام و ماموریت وی از طرف خدا را بیان می‌کند که به سوی فرعون طغیانگر برود و او را به خدا پرستی دعوت کند، اما پس از آن که فرعون خداوند و رسالت حضرت موسی علیه السلام را انکار و ادعای خدایی می‌کند، خداوند او را به عقوبت گناهانش فرو می‌گیرد (هادوی تهرانی و معتضدی، ۱۳۸۹: ۷۴).

قرآن پس از نقل این داستان بیان می‌فرماید که: "ان فی ذلک لعبره لمن یحشی: در این عبرتی است برای کسی که می‌ترسد" (سوره نازعات آیه ۲۶) قرآن هم چنین در جای دیگر پس از نقل سرگذشت کافران



اهل کتاب (یهودیان بنی نظیر) که به خاطر مخالفت با امر خداوند و پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله مجبور شدند به عنوان مجازات و عذاب، از خانه و کاشانه شان آواره شوند و بیشتر اموالشان را از دست بدهند، بیان می‌کند: "... فاعتبروا یا اولی الابصار: پس ای دیده وران عبرت گیرید" (سوره حشر آیه ۲).
به طور کلی قرآن به هر دو جنبه‌ی بازدارندگی عام (سوره یونس آیه ۹۲) و بازدارندگی خاص (سوره روم آیه ۴۱) توجه فراوانی دارد و با به کارگیری اسلوب‌ها و شیوه‌های گفتاری در آیات مختلف درصدد دستیابی به این هدف است. به طور کلی اجرای مجازات به منزله‌ی پیشگیری از انجام جرم است. وقتی افراد جامعه مشاهده می‌کنند که مجرم‌ان بدون هیچ گونه تعلل و با قاطعیت تمام مجازات می‌شوند و کیفر می‌بینند، کم‌تر به فساد و فتنه انگیزی و جرم روی می‌آورند. بنابر روایتی چنانچه کسی به وسیله‌ی حیوان از خود دفع شهوت کند، باید آن حیوان کشته و سوزانده و به مرتکب این عمل نیز ۲۵ ضربه شلاق زده شود. شخصی از امام علی علیه السلام سوال کرد: گناه حیوان چیست؟ حضرت فرمود: "حیوان بی گناه است ولی رسول خدا این عمل را انجام داد تا مردم جرأت نکنند به وسیله‌ی حیوانات از خود دفع شهوت نمایند و در نتیجه، نسل بشر قطع گردد."

شاید فلسفه‌ی این که قرآن حضور مومنان را در زمان اجرای بعضی از حدود لازم می‌شمارد آن باشد که چون گناه علنی انجام شده، مجازات نیز علنی اجرا شود تا دیگران عبرت گرفته و از انجام جرم بیم‌ناک باشند. و نیز امام رضا علیه السلام در بیان علت قطع دست سارق می‌فرماید: "فجعل قطعها نکالا و عبرة للخلق لئلا یتغوا اخذ الاموال من غیر حلها: یعنی علت تعیین قطع دست در سرقت علاوه بر مجازات شخص سارق آن است که مردم نیز از کیفر او عبرت بگیرند تا با تجاوز به حقوق یکدیگر در پی جمع کردن اموال نباشند."

به طور کلی چالش‌های برخاسته از اراده‌ی سبیری ناپذیر انسان در بهره‌گیری هرچه فزون‌تر از داده‌های طبیعی به سود خود و واداشتن دیگران به فرمان بری از خواسته‌های شخصی وی که گاه حتی به جنگ‌های خونین نیز می‌انجامد، از جمله دلایلی می‌باشد که به عنوان فسادزایی پای مجازات را به میان می‌کشد. آنگاه مجازات راه کاری می‌باشد برای بازگرداندن امنیت و نظم در جامعه. شخصی به نام "زرین" چنین نقل می‌کند: "در وضو خانه‌ی مسجد مشغول وضو بودم مردی آمد و وسایلش را در جایی قرار داد و مشغول وضو شد. من به او تنه زدم به صورتی که زمین خورد، دست‌های خود را حایل قرارداد و از جا بلند شد و وضوی خود را به اتمام رساند و باتازیان به سرم زد و فرمود: مواظب باش بار دیگر به کسی تنه نزنم تا مجبور به



پرداخت غرامت نشوی. پرسیدم: این مرد کیست؟ گفتند: امیرالمومنین علی علیه السلام است" (ولایی، ۱۳۹۱: ۱۶)

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: " ... ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل على العالمين: اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نمی‌کرد زمین تباه می‌شد" (سوره بقره آیه ۲۵۱) فساد زدایی در این آیه شریف نیز بدان معناست که تعادل از میان رفته‌ی جامعه که نتیجه‌ی تحمیل برخی اراده‌ها بر پاره‌ای دیگر است به حالت عادی خود بازگردد؛ به گونه‌ای که گروه تحمیل‌کننده به اموری واداشته شوند که نیک بختی همگان در آن است به دیگرسخن، مراد از فساد زدایی در آن، دست‌یابی به مصالح ماندگار برای همگان می‌باشد نه صلاح خاصی که در کوتاه مدت بهره‌ی آنان گردد. در این صورت برای دست‌یابی به این هدف به ابزاری نیازمند است که این ابزار همان قانون یا مجازات است. در نتیجه رفع فساد و اختلاف زدایی برخاسته از برخورد اراده‌ها، توسط انسان و راه کارهای برآمده از ویژگی سودجویی او میسر نیست چنان که در عصر دانش و تمدن کنونی بشر (آن هم در قلمروی گسترده و شدیدتر) این چالش را گواهییم. این جاست که به فریادرسی جز بشر و اندیشه‌های او نیازمندیم تا این مشکل را چاره‌اندیشی کند و آن چیزی جز کیفر سرچشمه گرفته از آموزه‌های دینی نیست (پورلیالستانی، ۱۳۸۷: ۲۱۴-۲۱۶).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت یکی از اهداف حقوق کیفری اسلام و چه بسا مهم‌ترین هدف آن حفظ نظام اجتماعی و دینی است و این هدف بلند تأمین نمی‌شود مگر این که انسان‌ها از طریق اصلاح و تربیت یا از طریق ارعاب و ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند بازداشته شوند. البته در کنار این هدف بلند که ابتدا به حیات مادی انسان‌ها مربوط می‌شود، نتایج و آثار دیگری از نظام کیفری اسلام حاصل می‌شود که مستقیماً به ارزش‌های معنوی نظیر عدالت و سعادت اخروی مربوط می‌شود (خسروشاهی، ۱۳۸۰: ۱۹۷).

۲-۲- کارکرد هدف بازدارندگی

اینک به بررسی کارکرد بازدارندگی به عنوان یکی دیگر از اهداف عام کیفر در حقوق غربی و اسلامی می‌پردازیم.

۲-۲-۱- از منظر حقوق غربی

بازدارندگی که یکی از اهداف کیفر به شمار می‌آید، آینده‌نگر است و توجه آن به جرم انجام شده نیست بلکه می‌خواهد از انجام جرم‌های بیشتر جلوگیری کند بنابراین هدف بازدارندگی ترمیم زیان اجتماعی ناشی



از جرم نیست بلکه وقتی فردی جرمی را مرتکب می‌شود خطر اجتماعی احتمالی در او وجود دارد که او را به تکرار جرم سوق می‌دهد و هدف بازدارندگی کنترل این خطر و پیش‌گیری از تکرار جرم است و نقش اصلی آن ایجاد آینده‌ای بهتر است و آن زمانی میسر است که بدون تکرار جرم باشد و بازدارندگی این نظر را القا می‌کند که گذشته را نمی‌شود تغییر داد. یکی از اشکالاتی که هدف بازدارندگی به عنوان یکی از اهداف عام کیفر با خود دارد این است که از نظر بازدارندگی زمانی که دو فرد مرتکب جرم‌های متفاوتی می‌شوند اگر خطر تکرار جرم برای جامعه درمورد هر دو مجرم یکی باشد در این صورت می‌توان کیفرهای یکسانی برای هر دو فرد اعمال کرد چون هدف، پیشگیری از تکرار جرم است و اگر ابزارهای یک سان این هدف را برآورده کند مانعی برای به کارگیری آن نیست (صرف نظر از شدت جرم‌های انجام شده) چرا که در بازدارندگی زیان اجتماعی ناشی از جرم اهمیتی ندارد در صورتی که همان گونه که قبلاً در بحث مربوط به سزادهی هم اشاره شد زیان ناشی از جرم مهم‌ترین عامل برای سزادهی است.

یکی دیگر از اشکالاتی که بر بازدارندگی وارد شده است این مساله می‌باشد که بازدارندگی از ویژگی شخصی مجرم اثر می‌پذیرد این بدان معنا است که شخصی که جرمی مرتکب شده است صرفاً به خاطر ویژگی شخصی خود کیفر می‌بیند نه به خاطر رفتار ممنوعه‌ای که انجام داده است و در صورتی که حقوق جنائی مدرن، کیفردهی برای رفتار ممنوع را به کیفردهی برای ویژگی شخصی فرد ترجیح می‌دهد. به دلیل اشکالاتی که درمورد بازدارندگی بیان شد، بازدارندگی نمی‌تواند به تنهایی و یگانه هدف کیفر باشد چرا که عدالتی که از کیفر مورد انتظار است برآورده نمی‌شود بنابراین ترکیب بازدارندگی با سزادهی که هم چاره‌ای آینده نگر و هم گذشته نگر برای مشکلات دارد، می‌تواند راه حل مناسبی باشد (هالوی، ۱۳۹۳: ۶۰ و ۶۱).

۲-۲-۲- از منظر حقوق اسلامی

نص قرآن کریم در آیات فراوان، از عقاب‌ها و مجازات‌هایی خبر می‌دهد که به خاطر نقض احکام و دستورات الهی به انسان اعمال می‌شود. در واقع، هدف از بیان چنین مجازات‌هایی، ارعاب و ترساندن انسان-ها است تا آن‌ها را از ارتکاب جرم بازدارد و در این موارد قرآن به وسیله‌ی اعلام مجازات‌ها، قصد انحراف مجرمان بالقوه از ارتکاب جرایم را دارد. خداوند از طریق نص قرآن گاه با مخاطب قرارداد مستقیم بندگان خویش و به کاربردن مفاهیمی هم چون ارعاب، انذار و حذر: "یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی أنعمت علیکم و أوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون: ای بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم به یاد بیاورید. و به عهد من وفا کنید تا به عهدتان وفا کنم و از من بترسید." (سوره بقره آیه ۴۰)

"فانذرتکم نارا تلظی: پس شما را از آتشی که زبانه می‌کشد می‌ترسانم." (سوره لیل آیه ۱۴)



" لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا قد یعلم الله الذین یتسللون منکم لو اذا فلیحذر الذین یرخفون عن امره ان تصیبهم فتنه او یرسیبهم عذاب الیم (سوره نور آیه ۶۳) و گاهی از زبان پیامبران الهی:

" لقد ارسلنا نوحا الی قومه فقال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره انی اُخاف علیکم عذاب یوم عظیم : نوح را بر قومش به رسالت فرستادیم. گفت: ای قوم من، الله را پرستید، شما را خدایی جز او نیست، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمانم " (سوره اعراف آیه ۵۹) و یا با دستور دادن به پیامبران مبنی بر ترساندن مردم از قیامت: " و اُذر به الذین یرخفون ان یحشروا الی ربهم لیس لهم من دونه ولی و لاشفیع لعلهم یتقون: آگاه ساز به این کتاب، کسانی را که از گرد آمدن بر آستان پروردگارشان هراسناکند، که ایشان را جز او هیچ یآوری و شفییعی نیست. باشد که پرهیزگاری پیشه کنند. " (سوره انعام آیه ۵۱) و نیز با اسلوب دیگر درصدد تحقق این هدف می‌باشد (هادوی تهرانی و معتضدی، ۱۳۸۹: ۷۱).

خداوند متعال از باب رحمت و اسعهاش، مقداری از نتیجه‌ی اعمال را در این عالم نشان می‌دهد تا انسان‌ها با دیدن آثار اعمال بد، تنبه یابند و با دیدن آثار اعمال خوب، به انجام آن‌ها تشویق شوند. و به تعبیر قرآن کریم: "... و آتیناه اجره فی الدنیا و إنه فی الآخرة لمن الصالحین: پاداش او را در این دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است " (سوره عنکبوت آیه ۲)

اینکه مدعی شویم اصل، بازدارندگی است و ابزار رسیدن به آن اهمیت ندارد، با آموزه‌های دینی سازگار نیست؛ بنابراین وقتی به کتاب وحی رجوع می‌کنیم سخن خداوند با انسان براساس یک جهان‌بینی و نگاه هستی‌شناسانه خاص است. در نتیجه این امر که فلسفه‌ی این قوانین صرفا بازدارندگی بوده، و بازدارندگی از هر راهی حاصل شود خوب است و لزومی ندارد حتما از راه قوانین جزایی اسلام باشد، قابل قبول نیست. هم چنین در آیه‌ی مربوط به حد زنا در سوره ی نور نیز تصریح می‌کند که عده‌ای از مومنان صحنه‌ی اجرای کیفر را مشاهده کنند و در زمان اجرا حاضر باشند. یکی از مهم‌ترین فایده‌ی چنین حضوری، عبرت‌آموزی از صحنه‌ی اجرای کیفر است (پیوندی، ۱۳۸۹: ۲۴).

به طور مثال در بازدارندگی فردی در مجازات قطع عضو در سرقت حدی در آیه ی ۳۸ سوره مائده واژه- ای به کار رفته که مفهوم بازدارندگی فردی را در مورد کیفر قطع عضو می‌رساند که به بررسی آن می‌پردازیم. " نکالا من الله " نکال در واژه‌شناسی به معنای لجام و افسار می‌باشد پس به هر کاری که موجب جلوگیری از کج روی شود گفته شده است بدین سان این واژه گویای هدف پیشگیری و بازداشتن دزد از دزدی می‌باشد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷: ۴ / ۳۷۴) و نیز پند گرفتن دیگران از به کار بسته شدن



مجازات بریدن دست (طباطبائی، ۱۳۹۰ م: ۵ / ۳۷۷)، زیرا "لجام" خود معنای مهار و کنترل را دربردارد. در روایات معصومان نیز از این نکته سخن به میان آمده است برای نمونه امام رضا علیه السلام در این باره فرمودند: "فجعل قطعها نکالا و عبرة لثلا یبتغوا أخذ الاموال من غیر حلها ... و حرّم السرقة لما فیها من فساد الاموال: خداوند بریدن دست را به منظور خودداری دزد از این رفتار زشت و نیز پند گرفتن دیگران وضع کرد تا مال را از راه حرام به دست نیاورند ... و دزدی را از آن رو حرام نمود که موجب از میان رفتن اموال می‌گردد" (حرعاملی، ۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق: ۲۸ / ۲۴۲)

از جمله مصادیق دیگر بازدارندگی همگانی در احکام اسلامی می‌توان به مجازات جرم محاربه اشاره نمود. به دارآویختن (او یصلبوا) که یکی از مجازات‌های محاربه است در موردی است که شخص افزون بر ترساندن، مالی را هم ربوده باشد. تبدیل "صلب" ثلاثی مجرد به ثلاثی مزید یعنی باب تفعیل زمینه و نشان شدت امر است که در این مورد می‌توان رگه‌هایی از بازدارندگی دید از آن جهت که درس عبرتی باشد برای سایر افراد جامعه که همان بازدارندگی همگانی یا عمومی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۲ / ۳۸۰ و ۳۸۱).

۳- بازپروری

پیش فرض کلی بازپروری به عنوان یکی از هدف‌های عام کیفر این است که مجرم به دلیل‌های خاصی (دلیل‌های اجتماعی، اقتصادی، روانی، رفتاری، جسمی و مانند آن) یا در شرایط خاصی (شرایط اجتماعی، اقتصادی، روانی، رفتاری، جسمی و مانند آن) جرم را انجام می‌دهد و برخورد مناسب با این دلیل‌ها و شرایط می‌تواند از مجرمیت بیشتر پیش‌گیری کند.

۳-۱- مفهوم شناسی

در این قسمت به مفهوم بازپروری به عنوان یکی از اهداف عام کیفر در حقوق غربی و اسلامی می‌پردازیم. در حقوق اسلامی به جای واژه‌ی بازپروری از واژگان اصلاح و تربیت، تهذیب و تطهیر مجرم استفاده شده است.

۳-۱-۱- از منظر حقوق غربی

بازپروری یکی از هدف‌های آینده‌نگر کیفر است که به جرم انجام شده توجه نمی‌کند بلکه فقط متوجه جرم‌های بیشتر در آینده است. هدف بازپروری عبارت است از درمان ریشه‌های درونی مشکلی که مجرم را به سمت مجرمیت سوق داده است، با این وجود برنامه‌های درمانی و بازپرورانه، برای همه‌ی مجرمان مناسب نیستند. سازگارسازی برنامه‌ی درست (اگر وجود داشته باشد) با مجرم به عامل‌های بسیاری از جمله ویژگی



های اجتماعی و شخصیت مجرم، بستگی دارد. بنابراین در نخستین گام دادگاه باید توان بازپروری مجرم را بررسی کند برای این کار می‌تواند از کمک متخصصان استفاده کند.

در باز پروری، مجرم را نه برای جرم انجام داده بلکه برای ویژگی‌های شخصی و شخصیت‌اش کیفر می‌دهند. رفتار مجرمانه‌ی مجرم در گذشته می‌تواند بر بازپروری اثرگذار باشد ولی نمی‌تواند نقش اصلی را در آن ایفا کند بنابراین کسانی که جرم‌های سنگین و شدید مرتکب می‌شوند و هم چنین کسانی که جرم‌های سبک انجام می‌دهند را می‌توان مورد بازپروری قرار داد. در بازپروری تمرکز بر اصلاح و درمان عامل‌های درونی و بیرونی است که فرد را به سمت مجرمیت سوق می‌دهد و فهم این عامل‌ها و انگیزه‌ها برای کارآمدی بازپروری امری مهم و اساسی است (هالوی، ۱۳۹۳: ۷۳-۶۸).

نگرش‌های ترمیمی به مساله جرم به حل ریشه‌ای مساله و بازگشت به پیش از وقوع جرم اصرار دارند و عدالت کیفری را برای بازسازی آسیب‌ها و دردهای روانی بزه‌دیدگان جرایم و آرام نمودن جامعه ناکارآمد می‌دانند (فاژه، ۱۳۹۵: ۷۳). با این همه نباید رویکرد عدالت ترمیمی را جایگزینی برای عدالت کیفری و روش‌های آن را بدیل روش‌های سزادهنده دانست، بلکه صرفاً تقدم رویکرد ترمیمی باید مدنظر باشد. اتفاقاً توفیق عدالت ترمیمی هم در پشتوانه کیفری است که بزه‌کار را مجاب به آن می‌کند (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۸). لذا برخی نظریه پردازان عدالت ترمیمی کارکرد موفق عدالت ترمیمی را در گرو انتقال تلویحی این پیام به بزه‌کار دانسته‌اند که در صورت لزوم امکان استفاده از برخی مجازات‌ها وجود دارد (بریث ویت، ۱۳۹۵: ۳۱).

۳-۱-۲- از منظر حقوق اسلامی

به دلیل تفاوت انسان‌ها در سلیقه، گرایش و فرهنگ، روش تربیت و اصلاح آن‌ها متفاوت خواهد بود؛ عده‌ای با تشویق و ترغیب و برخی با تهدید و گروهی نیز با خشونت و برخورد فیزیکی تربیت پذیرند. از این رو اگر پند و اندرز در مجرمی اثر نکرد و امر به معروف و نهی از منکر کارساز نبود و تهدید و توبیخ نیز افاقه نکرد و آن فرد به جنایت خود ادامه داد در آن صورت جز مجازات و کیفر راه دیگری باقی نمی‌ماند (ولایی، ۱۳۹۱: ۱۷ و ۱۸).

بنابراین اسلام نقش دیگری برای مجازات قائل است و آن تهذیب و تطهیر مجرم است از آثار و تبعاتی که جرم و گناه در روح و جان او ایجاد کرده است. از دیدگاه اسلام، اعمال انسان تاثیر مستقیم بر روح و جان او دارد و همان گونه که عمل صالح موجب تعالی روحی برای او می‌شود، اعمال بد نیز روح او را آلوده می‌کند و همین آلودگی روحی است که پس از مرگ به صورت عذاب غیر قابل تحمل ظهور می‌کند. از دیدگاه



اسلام یکی از راه‌هایی که می‌تواند آلودگی‌های روحی حاصل از ارتکاب جرم و گناه را از بین ببرد و انسان را از عذاب اخروی رهایی بخشد، تحمل مجازات‌های دنیوی است. کسی که حاضر شود مجازات دنیوی جرم خود را تحمل کند در آخرت برای ارتکاب آن عمل مجازات نخواهد شد براساس همین دیدگاه بوده است که بسیاری از مجرمین پس از ارتکاب جرم خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام معرفی می‌کرده و از آنان تقاضا می‌کردند که با مجازات دنیوی و بیان "طهرنی" یعنی مرا از آلودگی گناه تطهیر کن، درصدد رهایی عذاب سخت آخرت بوده‌اند (سبزواری نژاد، ۱۳۹۵: ۲۳) قرآن در پی آن نیست تا به نوعی بازدارندگی بیرونی و ظاهری دست یابد و مخاطبینش صرفاً به خاطر ترس از عقاب و مجازات، از ارتکاب جرم و گناه بپرهیزند بلکه برآن است تا آن‌ها را به مقامی راه برد که به طور ذاتی و درونی نیز هیچ تمایل و کششی به سوی باطل و ناراستی نداشته باشند (هادوی تهرانی و معتضدی، ۱۳۸۹: ۷۵).

به طور کلی مهم‌ترین برنامه‌ی تربیتی اسلام برای مجرمین، تشویق و ترغیب آن‌ها به توبه و بازگشت به سوی ارزش‌های الهی است برخی براین عقیده هستند که کسانی که از این موقعیت استفاده نمی‌کنند مجازات می‌شوند به همین دلیل مجازات فقط نقش بازدارنده را خواهد داشت نه اصلاح و تربیت مجرم. درعین حال به نظر می‌رسد که مجازات در شرایط خاصی می‌تواند اثر تربیتی و اصلاحی نیز داشته باشد، اگر چه این اثر نسبت به افراد مختلف متفاوت خواهد بود و به عنوان یک اثر یا هدف مهم و اساسی در فرآیند مجازات قابل توجه نیست بلکه برای تربیت و اصلاح روحی و روانی افراد باید از شیوه‌های دیگری بهره گرفت و فقط در موارد محدود و نسبت به افراد خاصی این شیوه قابل استفاده است (خسروشاهی، ۱۳۸۰: ۱۹۵ و ۱۹۶).

۲-۳- کارکرد بازپروری

در این قسمت کارکرد بازپروری را در حقوق غربی و اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۳-۱- از منظر حقوق غربی

همان‌گونه که اشاره شد، بازپروری یکی از اهداف کیفر است که به گذشته توجه ندارد و سوگیری بازپروری به سمت آینده است و کارکرد آن ایجاد آینده‌ای بهتر است و زمانی آینده‌ای بهتر برای یک جامعه خواهیم داشت که در آن جامعه جرمی تکرار نشود و از منظر بازپروری گذشته را نمی‌توان تغییر داد پس جرم انجام شده تغییرناپذیر است بنابراین هدف بازپروری پرداختن به جرم انجام شده نیست چرا که این به گذشته مربوط می‌شود و تمرکز برگزیده قلمرو سزادهی است در صورتی که بازپروری می‌خواهد از جرم-های بیشتر پیشگیری کند و این جرم انجام شده فقط می‌تواند به شناسایی تدابیر مورد نیاز برای بازپروری و درمان مجرم کمک کند بنابراین بازپروری زیان اجتماعی وارده به جامعه که از انجام جرم ناشی شده است را



ترمیم نمی‌کند بلکه بازپروری به دنبال این است که آن خطر احتمالی که در رفتار جرم وجود دارد و باعث تکرار جرم می‌شود را شناسایی و چاره‌ای برای آن فراهم کند.

در بحث مربوط به سزادهی به این نکته اشاره شده که اعمال کیفرهای یکسان در مورد دو مجرمی که مرتکب جرم‌های مشابهی شده‌اند، درد و رنج یکسانی را به خاطر شرایط متفاوت این دو مجرم، برآنان بار نمی‌کند اما از نظر بازپروری اعمال کیفرهای یکسان بر دو مجرمی که حتی جرم‌های با شدت مختلف انجام داده‌اند امکان پذیر است اگر عامل‌های درونی و بیرونی که این دو مجرم را به سمت مجرمیت سوق داده است یکسان باشد و هم‌چنین هر دو مجرم از توان شخصی بازپروری یکسانی برخوردار باشند در این صورت با وجود این که هر دو جرم‌های مختلفی را انجام داده‌اند اما درمان بازپروری یکسانی را می‌توان برای هر دو مجرم اعمال کرد چرا که همان‌طور که گفتیم زیان اجتماعی ناشی از جرم برای بازپروری اهمیتی ندارد هرچند که این امر برای سزادهی اهمیت فراوانی داشت.

با توجه به آن چه ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که بازپروری از شخصیت مجرم و ویژگی‌های شخصی و اجتماعی وی اثر می‌پذیرد در این صورت وقتی فردی جرمی را مرتکب می‌شود و کیفر می‌بیند و هدف از کیفر بازپروری اوست در این صورت مجرم برای رفتاری که در گذشته مرتکب شده است کیفر نمی‌بیند بلکه صرفاً برای شخصیت خود کیفر می‌بیند. این در صورتی است که در حقوق جنایی مدرن کیفر دادن برای وضعیت شخصی صرف نظر از رفتار، ممنوع است و کیفر دادن برای رفتار برتری دارد به کیفر دادن برای وضعیت شخصی. با این اوصاف، بازپروری نمی‌تواند یگانه هدف کیفر باشد و فقط می‌تواند برای سایر هدف‌های کیفر جنبه‌ی تکمیلی داشته باشد (هالوی، ۱۳۹۳: ۷۳ و ۷۴).

۳-۲-۲- از منظر حقوق اسلامی

کیفر که با تکفیر یا کفاره ریشه‌ای هم‌سان دارد در آموزه‌های دینی گامی است در این راستا و روی کردی است که تا اندازه‌ی زیادی آن را از جرم شناسان جدا می‌کند. اساساً اندیشه ورز حقوق کیفری، پرداختن به روح و بررسی راه کارهای تاریکی زدایی از آن یا بازیابی آشفتگی پدید آمده در این بخش برجسته‌ی وجودی انسان را، از قلمروی مطالعات خود بیرون می‌داند، در حالی که دین بیشترین تلاش خود را و یا شاید همه‌ی آن را در همین راستا به کار برده است. زیرا خود را در برابر بالندگی آن مسئول می‌بیند این جدیت و سعی حتی در پیش گرفتن سیاست‌های جنایی، اقتصادی، مدیریتی، سیاسی و خلاصه در همه‌ی عرصه‌های زندگی انسان خود را نمایانده است. بنابراین اولین الویت آن را همین دغدغه‌ی خاطر تشکیل می‌-



دهد. مجازات‌های تشریح شده در دین نیز هم سو با این جهت گیری دین تنظیم گردیده و در اختیار بشریت گذارده شده است و دریغ از کم توجهی یا کوچک انگاری آن‌ها.

برخی بر این باورند که مجازات الهی همیشه جنبه‌ی ایجابی ندارد، بلکه گاه ویژگی سلبی به خود می‌گیرد؛ برای نمونه محرومیت از نعمت که خود جنبه‌ای سلبی می‌باشد نیز در این پاک سازی اثر جرم موثر است. نتیجه آن که یکی از آثار و اهداف مجازات اسلامی تکفیر و زدودن اثر جرم است یعنی مجازات جرم علاوه بر هوشیاری وی در اهتمام به پالایش و اصلاح درون، محو و زدودن آثار بیرونی و خارجی گناه می‌باشد. "تکفیر" را به لحاظ لغوی به معنای پوشاندن و پنهان کردن گناه دانسته‌اند به طوری که گویا اصلا جرمی و گناهی واقع نشده است. از این رو در بینش قرآنی، کسی که به دلیل ارتکاب جرم در این عالم مجازات شود، در عالم دیگر برای ارتکاب این عمل مجازات نخواهد شد چنانکه در بعضی از تعبیر آمده است: "خداوند کریم تر از آن است که کسی را دوبار برای انجام عملی مجازات نماید." البته باید گفت رهایی از عقوبت اخروی علاوه بر عقوبت دنیوی مستلزم توبه و اصلاح واقعی شخص نیز می‌باشد (پورلیالستانی، ۱۳۸۷: ۲۱۲-۲۰۹).

به طور مثال در مجازات‌های تعزیری در جرم آمیزش جنسی با توجه به سخت گیری نسبی در اثبات این جرم و ترجیح توبه بر اقرار به گناه و تحمل کیفر، بیشترین و اصلی ترین هدف مجازات باید اصلاح بزه کار باشد. بلی هرگاه جرم آشکارا و به گونه‌ای انجام گیرد که عفت عمومی را جریحه‌دار سازد باید به جنبه‌های بازدارندگی عمومی و دفاع از کیان جامعه توجه بیشتری کرد و مجازات را به طور متعادل و منطقی تشدید نمود، در غیر این صورت هدف بازپروری برای مجازات مرتکب این جرم در الویت قرار خواهد گرفت (نوبهار، ۱۳۷۹: ۱۶۰).

۴- ناتوان سازی

ناتوان سازی را یکی از هدف‌های کیفر می‌دانند. این هدف بر این پیش فرض استوار است که گاهی جامعه برای محافظت از خود در برابر مجرمیت گزینه‌ی دیگری ندارد جز این که مجرم را از نظر مادی از تکرار جرم بازدارد. پیش گیری مادی، شکل ناتوان سازی توانایی‌هایی مادی مجرم برای انجام جرم را به خود می‌گیرد این ابزارهای پیش گیرانه می‌توانند بر پایه‌ی نوع جرمی که باید مورد پیش گیری قرار گیرد و برپایه‌ی توانایی‌های مادی مجرم تغییر کنند و می‌توانند کیفر مرگ، زندان بلند مدت، قطع عضو، تبعید، اختگی شیمیایی و مانند آن را شامل شوند.



۴-۱- مفهوم شناسی

در حقوق اسلامی به جای واژه‌ی ناتوان سازی از واژه‌های توان گیری یا گرفتن توان فرد و مهارگستره‌ی آزادی استفاده شده است. در این قسمت به مفهوم ناتوان سازی به عنوان یکی از اهداف عام کیفر در حقوق غربی و اسلامی می‌پردازیم.

۴-۱-۱- ناتوان سازی در حقوق غربی

ناتوان سازی یکی از هدف‌های آینده نگر کیفر است که از نظرگاه مجرم و جامعه، به جرم انجام شده نمی‌پردازد، هدف از ناتوان سازی فرد، هم‌واره پیش‌گیری از جرم‌های بیشتر در آینده و به بیان دیگر پیش‌گیری از تکرار جرم است. ناتوان سازی برخلاف بازپروری و بازدارندگی از گذر تغییرهای آگاهانه‌ی درونی عمل نمی‌کند، بلکه عمل کرد آن از گذر پیش‌گیری مادی از مجرمیت بیشتر است. ناتوان سازی در دو سطح عمل می‌کند؛ گسستن پیوند میان مجرم و فرصت انجام جرم‌های بیشتر و ازکار انداختن توانایی مادی مجرم برای تکرار جرم.

تحولات صورت گرفته در ناتوان سازی به عنوان یکی از هدف‌های عام کیفر در سده‌ی بیستم به ایجاد سه حلقه‌ی کلی ناتوان سازی انجامیده‌اند: ۱. حلقه‌ی ناتوان سازی کل جامعه ۲. حلقه‌ی ناتوان سازی گروه‌های در معرض خطر ۳. حلقه‌ی ناتوان سازی مجرم. ناتوان سازی به عنوان یکی از هدف‌های عام کیفر فقط به سومین حلقه مربوط است. حلقه‌ی ناتوان سازی کل جامعه به کوشش‌های جامعه برای پیش‌گیری از مجرمیت از گذر پیش‌گیری از فرصت‌های انجام جرم اشاره دارد مانند استفاده از زنگ‌های خطر برای پیش‌گیری از دزدی، افزایش حضور پلیس، پیش‌گیری از به‌کارگیری کارت‌های اعتباری دزدی، ممنوعیت تحریک به خشونت و نصب علامت‌های راهنمایی و رانندگی در جاده‌ها (هالوی، ۱۳۹۳: ۷۸-۸۳).

۴-۱-۲- ناتوان سازی در حقوق اسلامی از گذر کنترل درونی

در ناتوان سازی در واقع توان و قدرت مجرم در ارتکاب جرم مجدد او گرفته می‌شود که مهم‌ترین آن مجازات اعدام است. و مجازات دیگر در این خصوص مجازات حبس است که از این طریق می‌توان ارتکاب جرم از مجرم را گرفت. نمونه‌ای دیگری که باعث ناتوان کردن مجرم از ارتکاب جرم است مجازات‌هایی مانند انفصال مجرم و انفکاک او از حرفه و شغلی که دارد می‌باشد. که این امر می‌تواند در کاهش یا پیشگیری جرم موثر باشد (سبزواری نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸).

افزون بر وضع و اجرای کیفر به عنوان راه کار کنترل بیرونی رفتارها، آموزه‌های دینی باروی آوردن به عناصری چون پای بندی به یگانه پرستی خداوند، انجام عبادات، سفارش به تقوا یا خود کنترلی و... به



مهاردرونی افراد نیز پرداخته و حتی آن‌ها را درسنجش به مهار بیرونی، محور قرار داده است تا در پرتو آن، همه‌ی افراد جامعه را به مجموعه‌ای هم دل و یک پارچه تبدیل نماید. گفتنی است نماد این مهار بیرونی نیزگردد نهادن به فرمان‌های الهی می‌باشد (پورلیالستانی، ۱۳۸۷: ۲۲۰ و ۲۲۱).

۴-۲- کارکرد ناتوان سازی

دراین مبحث کارکرد هدف ناتوان سازی را درحقوق غربی و اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۲-۱- از منظر حقوق غربی

ناتوان سازی به منظور برخورد با توانایی مادی مجرم برای تکرار جرم طرح ریزی شده است. فرض بر این است که کیفر می‌تواند از تکرار جرم پیش گیری کند تدابیر عمده‌ای که ناتوان سازی در بر می‌گیرد عبارت اند از گسستن پیوند میان مجرم و فرصت انجام جرم و حذف توانایی مادی مجرم برای تکرار جرم. دراین راه، سوگیری ناتوان سازی به سوی آینده است نه گذشته و بر پیش گیری از تکرار جرم تمرکز دارد. نقش عمده‌ی ناتوان سازی ایجاد آینده‌ای بهتر یعنی آینده‌ای بی‌تکرار جرم است. همان گونه که گفته شد، نقش سزادهی تمرکز بر گذشته است درحالی که ناتوان سازی این مساله را می‌پذیرد که گذشته را نمی‌توان تغییر داد در واقع زیان اجتماعی ناشی از جرم‌ها برای ناتوان سازی اهمیت ندارد؛ هرچند بیشترین اهمیت را برای سزادهی دارد. بنابراین اشکالی که بر ناتوان سازی به عنوان یکی از اهداف عام کیفر وارد می‌شود این است که ناتوان‌سازی کیفر دادن را بر مبنای وضعیت شخصی می‌داند نه رفتار مجرمانه‌ی او در صورتی که حقوق جنایی مدرن کیفر دادن برای رفتار (امر عینی) را بر کیفر دادن برای وضعیت شخصی (امر شخصی) برتری می‌دهد. در نتیجه، ناتوان سازی نمی‌تواند یگانه ملاحظه یا هدف کیفر باشد و برای تکمیل سایر هدف‌های کیفر نقش آفرینی می‌کند (هالوی، ۱۳۹۳: ۸۴-۸۶).

۴-۲-۲- از منظر حقوق اسلامی

در بینش قرآنی، آن‌گاه که دیگر امیدی به صلاح مجرم و یا حداقل بازداشتن وی از ارتکاب جرم و گناه به واسطه‌ی ارعاب و تهدید نباشد و یا مهلت وی در پرهیز از ارتکاب جرم و گناه به پایان رسد، باید با سلب قدرت فیزیکی وی به طور کامل یا سلب برخی توانایی‌های او (با توجه به نوع و میزان جرم ارتکابی) از جمله توانایی مادی و ... از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم مزبور جلوگیری نمود. آیاتی که از عذاب و مجازات اقوام و افراد ستم پیشه سخن می‌گویند به این هدف نیز اشاره دارد زیرا آنان اقوام و افرادی بودند که پیامبران الهی با دعوت به خداپرستی و پیروی از دستورات الهی در صدد اصلاح و تذکر شان بودند لیکن آن اقوام و افراد به هشدارها و تهدیدهای پیامبران توجه ننمودند و در مهلتی که به آنان داده شد، بیم دهی و



مژده دهی آنها را از سرکشی و اعمال مجرمانه بازداشت. اینجاست که تنها راه بازدارندگی نابودی آنها است.

در مورد مجازات‌های تشریحی هم چون قصاص، حدود، دیات و تعزیرات نیز یکی از ره آوردهای این گونه مجازات‌ها توان گیری است البته در قتل، توان گیری در معنای کامل آن تجلی می یابد لیکن مثلاً در جرم سرقت به دلیل منع سارق از ارتکاب مجدد جرم سرقت انگشتان دست او قطع می شود تا بدین طریق وی از ارتکاب جرم بازداشته شود. دستور خداوند به حبس زنان زناکار در خانه، مجازاتی است که جنبه‌ی توان گیری نیز دارد. در آیه ی ۱۵ سوره نساء آمده است: "واللاتی یاتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهن أربعةً منکم فإن شهدوا فأمسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت أو یجعل الله لهن سبیلاً: و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می شوند، از چهارتن از خودتان برضد آنها شهادت بخواهید. اگر شهادت دادند زنان را در خانه محبوس دارید تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی پیش پایشان نهد." (هادوی تهرانی و معتضدی، ۱۳۸۹: ۷۸).





نتیجه گیری

به طور کلی مجازات های قانونی چهارهدف را باخود به دنبال دارند که عبارتند از: ۱- سزادهی ۲- بازدارندگی ۳- بازپروری ۴- ناتوان سازی. سزادهی هدفی است گذشته نگر که به آینده توجه ندارد بنابراین وظیفه گر است و سه هدف دیگر اهدافی آینده نگر هستند که به گذشته توجهی ندارند و فایده گرا هستند. بر مبنای هدف سزادهی، مجازات به خاطر وقوع جرم در گذشته بر مجرم اعمال می شود و برقراری عدالت چیزی است که این هدف بدان توجه دارد. در این صورت سزادهی چاره ای برای نیازهای اجتماعی پیش گیری از جرم فراهم نمی کند و آینده ای بهتر دغدغه ی سزادهی نیست هم چنین کوششی برای توجه به مشکلات ریشه ای که مجرم را به این جا رسانده است نمی کند بنابراین هدف سزادهی صرفا می تواند تشنگی بزه دیدگان و جامعه را برای انتقام فرونشاند.

اهداف بازدارندگی، بازپروری و ناتوان سازی یکی از راه های پیش گیری از وقوع جرم در آینده هستند به همان دلیل به آنها اهداف فایده گرا نیز می گویند. اما این اهداف اشکالاتی نیز با خود به دنبال دارد از جمله آن که از ویژگی شخصی مجرم اثر می پذیرند بدان معنا که فرد مجرم را به خاطر ویژگی شخصی او مجازات می کنند نه به خاطر رفتار ممنوعه ای که فرد مرتکب شده است هم چنین برخلاف سزادهی با اعمال کیفرهای یکسان بر دو مجرمی که جرائمی با شدت متفاوتی را مرتکب شده اند موافق اند. در واقع زیان اجتماعی ناشی از جرم برای این اهداف اهمیتی ندارند هر چند بیشترین اهمیت را برای سزادهی دارد.

تفاوت این سه هدف باهم در شیوه ی پیش گیری از وقوع جرم در آینده است بدین صورت که کارکرد بازدارندگی پیش گیری از تکرار جرم از گذر ترساندن است؛ ترسیدن از کیفر احتمالی ای که مجرم از تکرار جرم می بیند. بنابراین بازدارندگی، دلایل ماهوی و ریشه های مجرمیت را مدنظر قرار نمی دهد و دغدغه ی آن حل مشکلات نیست در صورتی که بازپروری برای توجه به این مشکلات طرح ریزی شده است. با وجود این، هدف بازپروری، حذف عامل های جسمی ای که به مجرمیت انجامیده اند یا حل خطرهای اجتماعی مختلف مرتبط با مجرم نیست. برای مثال هنگامی که دلیل های بزه کاری جسمی اند (مانند ناهم ترازای شیمیایی و مشکلات ژنتیکی) یا روانی (مانند آسیب دیدگی روانی ای که نمی توان آن را بی دارو درمان کرد)، بازپروری و بازدارندگی احتمالا بی ربط و ناکارآمد است در اینگونه موارد برای پیش گیری از تکرار جرم، با ناتوان سازی فرد مجرم از وقوع مجدد جرم جلوگیری می کنند. در نتیجه اهداف چهارگانه ی کیفر در کنار یکدیگر تکمیل می شوند و می توانند فلسفه و علت مجازات ها را توجیه کنند. لذا شریعت مقدس اسلام در وضع قوانین کیفری خود چهار هدف مذکور را لحاظ نموده است و این از امتیازات ویژه شریعت



کامل نبوی است که با وجود وضع قوانین در هزار و اندی سال پیش منطبق بلکه پیشرو نسبت به جدیدترین یافته‌ها در اهداف کیفر بوده و همه آن‌ها را تجمیع نموده است اگرچه مواردی را بنابر اقتضاء و مصلحت اولویت داده و یا به جهت اینکه کارکرد و هدف اصلی قوانین، برقراری عدالت بوده هدف سزادهی را در وضع قوانین بیشتر لحاظ کرده و تحقق سایر اهداف را به حوزه مخصوص خودشان یعنی اخلاق واگذار کرده و از آنجا که که معارف دین مجموعه‌ای از عقاید و اخلاق و احکام است، در حوزه اخلاق این خلاء مکاتب حقوقی غیردینی غربی را تامین نموده است.



فهرست منابع

الف: کتب

- پرادل، ژان، (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، سمت.
- -----، (۱۳۹۱)، تفسیرنمونه، ج ۱۲، چ سی و چهارم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پورلیالستانی، حسن ابراهیم؛ (۱۳۷۸)، اهداف و مبانی مجازات (در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه های دینی)؛ چ اول، قم: موسسه بوستان کتاب.
- جاویدی، مجتبی (۱۳۸۹) سیمای حقوق در قرآن؛ چ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تسنیم؛ ج ۲۲، چ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق)، وسائل الشیعه؛ ج ۲۸، مطبعه الاسلامیه،
- خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۰)، فلسفه ی قصاص از دیدگاه اسلام؛ چ اول، قم: بوستان کتاب قم.
- سبزواری نژاد، حجت و مهدی (۱۳۹۵)، دوره ی کامل حقوق جزای عمومی ایران؛ چ اول، تهران: انتشارات مجد.
- سلیمی، محمد (۱۳۹۶)؛ تعزیرات در نظام قضایی اسلام، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی خدمات اداری
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۵، چاپ دوم، بیروت.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۷)، پیام قرآن (تفسیرنمونه موضوعی)، ج ۴، چ سوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- هالوی، گابریل (۱۳۹۳)، کیفردهی آموزه ای مدرن؛ ترجمه علی شجاعی؛ چ اول، نشر دادگستر.
- ولایی، عیسی (۱۳۹۱)، جرائم و مجازات ها در اسلام، چ اول، تهران: انتشارات مجد.

ب: مقالات و نشریات

- بریث ویت، جان (۱۳۹۵)، عدالت ترمیمی و تنظیم گری پاسخگو، چکیده مقالات همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان.
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۹)، «حکمت های کیفر در نظام جزایی اسلام»، پژوهشگاه علوم انسانی و پژوهش نامه ی علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۷.
- حاجی ده آبادی، محدعلی و احسان سلیمی (۱۳۹۸) مبانی، اصول و سازکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هوشمند، پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۲۹، ص: ۱۳۴-۱۰۱



- فاژه، ژاکوس (۱۳۹۵)، میانجیگری بزه دیده - بزه کار یا میانجیگری کیفری، از عدالت قضایی تا عقلانیت ارتباطی، چکیده مقالات همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان.
- کاتینگهام، جان (۱۳۸۴)، فلسفه مجازات، ابراهیم باطنی و محسن برهانی، مجله فقه و حقوق، سال اول، شماره ۴.
- محمودی جانکی، فیروز و سارا آقایی (۱۳۸۷) بررسی نظریه بازدارندگی مجازات، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، ص: ۳۶۱-۳۳۹.
- نوبهار، رحیم (۱۳۷۹)، «اهداف مجازات ها در جرائم عفا فی (در حقوق کیفری اسلام)»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم.
- هادوی تهرانی، مهدی و معتضدی، مجید (۱۳۸۹)، «بررسی روی کرد قرآن کریم به مجازات»، پژوهشنامه‌ی علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۷.
- وطنی، امیر و امیرحسین نیازپور و فرزاد عسکری (۱۳۹۷) بررسی تطبیقی اهداف مجازات ها و باور و اعتقادات حقوق عرفی و آموزه های اسلامی، پژوهش های اعتقادی-کلامی - سال هشتم، شماره ۳۲، ص: ۲۹۴-۲۶۵

